



تعامل نزدیک و استقبال گرم از هیئت ازبیکستانی نشان‌دهنده‌ی حمایت از حکام ظالم است

عبدالله عارف‌اف، نخست‌وزیر ازبیکستان، در رأس یک هیئت اقتصادی وارد کابل شده و با مقام‌های ارشد حکومت افغانستان دیدار کرد. نتیجه‌ی این دیدار امضای ۳۵ یادداشت تفاهمنامه همکاری میان ازبیکستان و افغانستان در زمینه‌های اقتصاد، انرژی، ترانسپورت و تجارت به ارزش حدود ۲.۵ میلیارد دالر بود.

حکومت افغانستان در حالی با آغوش باز از هیئت ازبیکستانی استقبال کرد که ازبیکستان در سرکوب مسلمانان، دعوت‌گران و مجاهدین آسیای میانه که خواهان اقامه اسلام هستند، نقش فعال دارد. از طرف دیگر، ازبیکستان کشوری است که در گذشته پایگاه هوایی خود را برای اشغال افغانستان در اختیار امریکا و ناتو قرار داده بود و در اشغال ۲۰ ساله افغانستان نقش تأمین‌کننده را ایفا می‌کرد. به همین دلیل است که ازبیکستان برای امریکا همچون اسرائیل در منطقه اهمیت دارد.

ازبیکستان، سرزمینی که توسط لشکر اسلام فتح شد و تحت حاکمیت خلافت قرار گرفت و علمای بزرگی چون بخاری، ترمذی و ابو منصور ماتریدی رحمهم الله در فضای ایمانی آن زندگی می‌کردند، اما متأسفانه امروز تحت حکمرانی حکام جابر قرار دارد که فرزندان آن سرزمین را به جرم اسلام سرکوب می‌کنند. استقبال گرم از هیئت ازبیکستانی از سوی حکومت افغانستان نشان‌دهنده‌ی حمایت آن از حکام ظالم است، در حالی که مکلفیت اصلی‌اش باید دفاع از امت مظلوم باشد که هر روز زیر پای این حکام سرکوب می‌شوند. مسلمانان و گروه‌های جهادی آسیای میانه به قدرت رسیدن مجاهدین را در افغانستان به فال نیک گرفتند و امید شکست مرزها و آزادی سرزمین خود را داشتند، اما تعامل نزدیک نظام حاکم با دیکتاتورهای ظالم آسیای میانه این امیدها را به یأس مبدل ساخت و با تعاملات سیاسی و اقتصادی این ذهنیت را به میان آورد که نظام حاکم بیشتر از این‌که در کنار مسلمانان آسیای میانه باشد، در سمت اشتباه تاریخ و در کنار دیکتاتورهای ظالم قرار دارد.

ازبیکستان کدام کشور قدرتمندی نیست که توانایی ایجاد روابط مستقل سیاسی و پیشبرد پروژه‌های بزرگ اقتصادی را دارا باشد، بلکه خودش یک کشوری تابع بوده که به نیابت از امریکا و روسیه اهداف استعماری را در افغانستان به پیش می‌برد. در واقع در عقب این وعده‌ها و پروژه‌های اقتصادی ازبیکستان، اهداف سیاسی و استخباراتی نهفته است. هرچند حکام افغانستان پروژه‌های اقتصادی منطقی را بازی «برد - برد» می‌دانند، ولی کسی که از زاویه سیاست اسلامی به این پروژه‌ها نگاه کند، این بازی «برد - باخت» است که در آن افغانستان در جایگاه بازنده قرار دارد.

ساختن اقتصاد بزرگ با احکام اسلام در تضاد نیست، اما اگر اسلام معیار گرفته نشود و برعکس اقتصاد «محور» قرار گیرد، این امر باعث می‌شود که حکومت به نظام سرمایه‌داری مبدل شود. این سیاست‌ها نشان می‌دهد که حکام ما راه‌حل‌های اسلامی را غیرواقعی دانسته و آن‌ها را کنار می‌گذارند و سیاست پراگماتیک و واقع‌گرایانه را در پیش می‌گیرند. اگر حکام درک واضحی از نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسلام ندارند، باید به حزب التحریر یا سایر جریان‌هایی که این درک را دارند، مراجعه کنند. در غیر این صورت، نباید مردم را در فتنه بیندازند؛ چرا که استقبال از حکام ظالم باعث می‌شود که مسلمانان افغانستان در شناخت خوب و بد دچار خطا شوند و نتواند جابر را از عادل تفکیک کنند.

حکام باید بدانند که تنها با تأسیس خلافت راشده ثانی است که اسلام تطبیق و تمکین می‌یابد و امت اسلامی از دیگر امت‌ها متمایز می‌گردد و خلیفه کسی است که مبتنی بر اسلام، تمدن قدرتمندی را تأسیس می‌کند و به جای تعامل با ظالمان، به یاری مظلومان می‌شتابد. در واقع کسانی که تنها از الله سبحانه و تعالی یاری می‌طلبند، در تطبیق اسلام صبر پیشه نموده و در سیاست خود تقوا را رعایت می‌کنند، الله سبحانه و تعالی چنین انسان‌هایی را خلافت و قدرت جهانی نصیب نموده و وارث زمین قرار می‌دهد.

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ [الاعراف، ۱۲۸]

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید و (پایداری و) شکیبایی ورزید. بی‌گمان زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث (از دیگران) می‌دهد و (آن بزرگ زندگی و) فرجام (نیک) برای متقیان است.»

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان